



۲۰۱۷/۰۶/۲۲



خلیل الله ناظم باختري

شرم افغان

به استقبال ازین بیت مرحوم شیخ الشعراء احمد صدیق "حیا":

هر زمانی گر شود گفتار ما چون کار ما
می دمد گل‌هایِ عشرت از میان نار ما

هیچ کس باور ندارد بعد از این اظهار ما
خجلت آور می شود هر عادت تکرار ما
بود از نام مجاهد گرمی بازار ما
رفت در راهی که باشد راه استثمار ما
کُفر می خندد به این عمامه و دستار ما
یک برابر بوده اند هزاره و تاتار ما
یا بگو یا دور شو از کار ما و بار ما
هر دو باشند در حقیقت رهبر و سردار ما
یا الهی در بگیرد نوکر اغیار ما
رفته رفته می شود بیگانه ای بادر ما
کدخدائی می کند آن دشمن غدار ما
صد گره دیگری می افتد اندر کار ما
رحم کن بر حال زار ملت ناچار ما

چون نمی باشد موافق در عمل گفتار ما
گاه پیمان بستن و گاهی سخن بشکستن است
یاد ایامی که ما هم افتخاری داشتیم
طالب بیچاره هم راه خدا را ایله کرد
یکطرف ریش کشال و یکطرف قتل و قاتل
ازبک و پشتون و تاجک چون برادر بوده اند
فرق بین شیعه و سنی چه می باشد بگو
حضرت جعفر یکی و حضرت نعمان دگر
جنگ ما جنگ جهالت است و جنگ ذلت است
از نفاق و از شقاق ما چه می آید بیرون
شرم بادا بر تو ای افغان که اندر ملک تو
تا نباشد اتحاد و اتفاق و یکدلی
یا خداوندا توئی مشکل گشا، مشکل گشا

راست گفتیم **ناظما** ترسی ندارم از عدو

تا جهان واقف شود از حالت ادبار ما